

نگاهی جامع به علل و عوامل ظهور و سقوط داعش
محمدرضا شفاعت^۱ - سیدجواد امام جمعه زاده^۲ - حسین مسعودنیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۷

چکیده:

برکسی پوشیده نیست که خاورمیانه ظرف یک قرن گذشته، به دلایل مختلف، همواره یکی از بی ثبات ترین و بحرانی ترین مناطق جهان بوده است؛ اما ابعاد و پیامدهای ظهور گروه تروریستی داعش (دولت اسلامی عراق و شام) در ژوئن ۲۰۱۴، با هیچ یک از مقاطع تاریخی گذشته قابل قیاس نیست. حال نظر به اینکه پس از جنگ های اول و دوم جهانی، تاکنون، هیچ بحرانی در مقیاسی بین المللی، با چنین دامنه ای، امنیت جهان و بشریت را تهدید نکرده است، مقاله حاضر، بر آن است تا ضمن شناسایی مجموعه عواملی که به ظهور و بقای این گروه تروریستی منجر شد، تفاسیر و موارد استفاده آنها از اسلام، منابع مالی، نوع حکمرانی، نحوه جذب، استخدام و گسترش نیروهای جهادی، پشتیبانی عمومی و همچنین قلمروهای مورد اشغال و تصرف آنها را به تفکیک مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد؛ سپس صرف نظر از تمرکز ویژه بر نقش و جایگاه صف بندی ها و ائتلاف های منطقه ای و بین المللی شکل گرفته، به روشی توصیفی - تحلیلی، بر این فرضیه اصلی تمرکز می کند که هر چند جلوگیری از ظهور داعش امکان پذیر بود اما وجود ضعف های ذاتی در سازمان و ایدئولوژی داعش، سقوط این گروه تروریستی را اجتناب ناپذیر کرده بود.

واژگان کلیدی: داعش، عراق، سوریه، اسلام، شیعه، سنی

^۱ - دانشجوی دکتری، روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
haniehdavodi@yahoo.com

^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول
javademam@yahoo.com

^۳ - دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
H.masoudnia@ase.ui.ac.ir

مقدمه

خاورمیانه با در نظر گرفتن اثرگذاری عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی، از دلایل و بستر کافی تاریخی، مذهبی، فرقه‌ای، سیاسی و ژئوپلیتیکی برخوردار است که این منطقه را مستعد رقابت‌ها و خصومت‌های بی‌پایان میان بازیگران دولتی و همچنین ظهور بازیگران غیردولتی افراط‌گرا کرده است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و شروع تحولات موسوم به خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۰، فضای امنیتی بسیاری از کشورهای عربی خاورمیانه را به سمت دولت‌های ناکام سوق داد که در پرتو آن، زمینه‌های افراط‌گرایی و ظهور گروه‌های تروریستی با مبانی اندیشه سلفی - تکفیری بیش از گذشته فراهم گردید. یکی از مهم‌ترین این گروه‌های افراطی و خطرناک که به سرعت قلمرو وسیعی از خاک عراق و سپس اراضی سوریه مورد اشغال و تصرف خود قرار داد، گروه خودخوانده «دولت اسلامی عراق و شام» موسوم به «داعش»^۱ به سرکردگی «ابوبکر البغدادی»^۲ است.

اهمیت ظهور و بروز گروه تروریستی داعش بر خلاف سایر گروه‌های افراطی، عموماً بر این پایه استوار است که این رویداد به تنهایی از این قابلیت برخوردار شد که توانست همچون یک مرحله تاریخی اثرگذار، خاورمیانه را وارد دوره‌ای جدید از بی‌ثباتی و بحران کند و در پی آن، عنصری دیگر به جنگ سرد جدید خاورمیانه بیفزاید. از دیگر سو شاید بتوان گفت داعش به یک معنا نتیجه جنگ سرد جدید خاورمیانه است. علت ریشه‌ای این بحران منطقه‌ای را نخست باید در ناتوانی دولت عراق در کنترل مرزهای این کشور، ارائه خدمات به مردم خود و ایجاد یک دولت ائتلافی - که مورد توافق همه اقلشار و طیف‌های سیاسی و مذهبی جامعه سیاسی این کشور باشد - جستجو نمود. این فقدان اقتدار دولتی نه تنها در سوریه و عراق، که در کشورهای مثل لبنان، یمن، لیبی و شاید تا حدی مصر نیز وجود داشته است. نیروهای محلی، در غیاب کنترل یک دولت مرکزی مشروع و توانمند، بر مبنای هویت‌های فرقه‌ای، قومی، قبیله‌ای و البته منطقه‌ای برای پر کردن این شکاف به وجود می‌آیند. از این منظر، هیچ تحولی ظرف دو دهه اخیر بهتر از ظهور گروه تروریستی داعش، نمایانگر درگیری بین سنت و مدرنیته از یک سو و ادغام آنها از سویی دیگر نبوده است.

^۱ Islamic State of Iraq and the Levant / Syria (ISIL / ISIS)

^۲ Abu Bakr al-Baghdadi

می‌دانیم که طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۳، این گروه تروریستی با انتشار و ترویج گسترده خشونت و به دنبال آن، اعلام موجودیت دولت و گسترش مرزهای زمینی، توجه مخاطبان بین‌المللی را به خود جلب نمود. در واقع «تولد این دولت {خودخوانده} جدید، افراطی‌ترین تغییر در جغرافیای سیاسی خاورمیانه از زمان توافق سایکس-پیکو^۱، بعد از جنگ جهانی اول قلمداد شده است. (Cockburn 2014: 3-5 and Burke, 2015) در این چارچوب، ظهور داعش سؤالات زیادی را مطرح ساخته است: اینکه ریشه این گروه تروریستی چگونه و از کجا نشأت گرفت، چگونه توانست خود را به سرعت مستقر کند، چرا نتوانست به حیات خود تداوم بخشد و نهایتاً چرا شکست خورد؟ بر این اساس، هدف این مقاله، بررسی علل و عوامل ظهور این گروه تروریستی، درک و شناخت این سازمان و انگیزه‌های سیاسی و مذهبی آن، بررسی علل مقاومت آن در برابر فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین شناخت نقاط ضعف ذاتی، در پرتو فرایند سقوط آن است که در اینجا به تفصیل مورد توجه و ملاحظه نظر قرار خواهد گرفت.

۱. ریشه‌های شکل‌گیری داعش

درباره خاستگاه و منشا شکل‌گیری افراط‌گرایی و گروه‌های افراطی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ عده‌ای از شرق‌شناسان و اندیشمندان مسلمان، افراط‌گرایی را ویژگی ذاتی و بنیادین اسلام قلمداد می‌کنند و در طرف مقابل، برخی از اندیشمندان این حوزه، معتقدند که افراط‌گرایی حرکت و اقدامی انفعالی نسبت به تغییرات بیرونی و فشارهای محیطی است. (شفاعت، ۱۳۹۵: ۳۷) در این مقاله نگارندگان با پذیرش فرض دوم، عوامل بیرونی را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری افراط‌گرایی اسلامی و خصوصاً شکل‌گیری داعش در نظر می‌گیرند. البته برداشت‌های افراطی از اسلام نیز توضیح داده می‌شود؛ ولی فرض اصلی پژوهش درباره افراطی‌گرایی بر این مبنا استوار است که برداشت‌های افراطی، تحت تأثیر عوامل بیرونی است نه در اصل و بنیاد اسلام. در همین چارچوب، برخی از ناظران بین‌المللی نیز بر این باورند که داعش به صورت ناگهانی به وجود آمده است و ظهور آن علل مشخصی ندارد. (The New York Review of Books, 2015) اگرچه ظهور این سازمان تروریستی را نمی‌توان خطی در نظر گرفت؛ اما روشن است که داعش محصول متمایزی از تاریخ، جغرافیا و شرایط خاص خود منطقه خاورمیانه است. جدای از نقش ایدئولوژی در شکل‌گیری آن، به طور خلاصه می‌توان گفت سه

¹ Sykes Picot

عامل اساسی در ظهور و گسترش داعش نقش اساسی داشته‌اند: نخست، زمینه‌های تاریخی خاورمیانه؛ دوم، سیاست‌های امنیتی آمریکا و متحدان غربی آن در منطقه خاورمیانه که به هرج و مرج و جنگ در افغانستان (۱۹۸۹-۱۹۷۹)، عراق (۲۰۱۱-۲۰۰۳) و سوریه (۲۰۱۱ تا به امروز) منجر شد؛ و سوم، خیزش‌های عربی از سال ۲۰۱۰ تا به امروز که به تفکیک به آن اشاره می‌شود.

۱-۱- ایدئولوژی داعش

بنیان ایدئولوژی داعش، بر قرائت خاصی از اسلام‌گرایی قرار دارد که بر تنش‌های بین اسلام و مدرنیته تأکید می‌کند و با نوعی خشونت‌گرایی افراطی نیز ترکیب شده است. جدای از شهوت دستیابی به قدرت، نیروی ایدئولوژیکی محرک داعش، از دو منبع کاملاً متفاوت نشات می‌گیرد که هر دو در یک زمینه مشترکند. اولین منبع، احکام شرعی افراطی‌ای است که در اندیشه‌های ابن تیمیه (قرن ۱۳ میلادی) ریشه دارد که توسط عبدالوهاب (قرن ۱۸) به ایدئولوژی سلفی مدرن تبدیل گردید. اساساً تفسیر آنها از اسلام، رد قطعی هرگونه بدعت از اسلام زمان پیامبر اکرم (ص) است. آنها معتقدند هرگونه انحراف از مفاهیم ظاهری که از قرائت قرآن و حدیث استنباط می‌شود، کفر است و باید ریشه کن شود. بنابراین شیعی، صوفی یا اساساً هر چیزی یا هرکسی که از تفسیر آنها از اسلام تبعیت نکند، باید نابود شود. این تفکر جوهره تکفیر است. (Barret, 2014: 18) بنابراین داعش خشونت خود را با این استدلال که تمام اعمالش برای احیای اسلام، بازگشت به اسلام ناب، اتحاد مسلمانان و در نهایت احیای مجدد و عظمت مومنان با اجرای فرامین الهی است، توجیه می‌کند.

منبع دوم داعش که در سازمان و اهداف سیاسی‌اش کاملاً مشخص است، بعثی‌گرایی و شبکه‌های بعثی جدید است که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ به داعش پیوستند. بعثی‌گرایی در اساس خود به دنبال احیای نژاد عرب و نجات آن از فساد و استعمار است. این تفکر در جستجوی ایجاد دولت پان عرب تحت رهبری یک رهبر و هدایت حزب بعث است. اگر چه حزب بعث یک جنبش سکولار و به دنبال جدایی حکومت از مذهب بود و اگر چه عراق و سوریه در زمان حکومت بعث، سکولار بودند، ولی پیشروی اسلام به وسیله تئوریسین‌های بعثی به عنوان شاهدهی بر عظمت فرهنگ عربی و قدرت فکری مردم عرب در نظر گرفته می‌شود.

هر دو رویکرد سلفی - تکفیری و تئوری بعث نیز، دیدگاه خود را بر شروعی مجدد از طریق بازگشت به گذشته ابتناء کرده‌اند.

۱-۲- زمینه‌های تاریخی خاورمیانه

جدا از ایدئولوژی داعش، درک زمینه‌های ظهور آن نیازمند درک و شناخت زمینه‌های تاریخی منطقه خاورمیانه است. اینکه ایدئولوژی این جنبش ظاهراً مبتنی بر دکترین‌های مبهمی است که ریشه‌های خود را در اوایل اسلام جستجو می‌کند، امری اتفاقی نیست؛ بلکه موضوعی است که به طریق اولی ریشه تاریخی دارد. از زمان حمله ناپلئون به مصر، تا جنگ جهانی اول، متفکران و حاکمان در خاورمیانه به دنبال ارائه اسلامی سازگار با عصر مدرن بوده‌اند. آنان به جای رد مفاهیم غربی پیشرفت، به این باور اصیل معتقد بودند که حتی در عصر سکولاریسم، اسلام می‌تواند به عنوان سنگ بنای جامعه حفظ شود. این تفکر، رنسانس عربی نامیده شد. (Hourani, 1962) با این حال، رفتار کشورهای غربی در طی جنگ جهانی اول و پس از آن، ناامیدی زیادی را برای رهبران و متفکران کشورهای عربی بوجود آورد؛ چرا که وعده‌های خود-مختاری که در اثنای جنگ جهانی اول و به دنبال سقوط امپراطوری عثمانی ارائه می‌شد، هرگز به واقعیت وجودی نیافت (Barr, 2016)؛ به طوری که اعتبار کشورهای غربی هنوز هم تحت تاثیر عواقب این خیانت به یاد ماندنی قرار دارد. در نتیجه این رفتارها، بسیاری از مسلمانان دریافتند که غرب و ارزش‌های آن نمی‌توانند مورد وثوق و اعتماد باشند و تنها راه حل مشکلات، رسیدن به استقلال و توسعه و تأکید مجدد بر هنجارهای اسلامی است. این امر، برای چند دهه زمینه رقابت و کشمکش را میان رژیم‌های به اصطلاح ملی‌گرا و سکولار از یک سو، و جنبش‌های اسلامی از سوی دیگر در سراسر خاورمیانه فراهم ساخت. در این میان، سه تحول، تأثیر عمده‌ای بر پویایی این جنبش‌ها گذاشت. نخستین تحول، رونق قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ بود که برای بسیاری از دولت‌های عرب عمدتاً فقیر و بیابان نشین، امکانی را فراهم ساخت تا بتوانند به شیوه غربی زندگی کنند. این مسئله در ابتدا مورد سرزنش و انتقاد زیاد اسلام-گرایان قرار گرفت و در مرتبه بعد، سبب دخالت کشورهای غربی در امور کشورهای خاورمیانه گردید. (Burke, 2015) در این میان، تحول کلیدی مهمتر با انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ همراه شد. پیروزی انقلاب ایران نشان داد استقرار دولتی مبتنی بر احکام اسلامی، امکان‌پذیر است. (Smith, 2015) رویداد اصلی دیگر، ۱۰ سال بعد با اشغال شوروی در ۱۹۷۹

و خروج متعاقب آن ۱۹۸۹ از افغانستان به وجود آمد؛ این امر شرایط مناسبی را برای تولد گروه‌های افراطی اسلامی بوجود آورد. ظهور القاعده از جمله این گروه‌ها بود که در چارچوب سیاست امنیتی آمریکا و با حمایت مستقیم آن ایجاد شد. (Rey and Al rachid, 2016) ایالات متحده آمریکا در چارچوب سیاست «سدنفوذ»^۱ خود در مقابل کمونیسم شوروی، در دوره جنگ سرد از اسلام که عقاید ملحدانه کمونیسم را رد می‌کند، حمایت و از طریق حمایت نظامی و مالی، اسلام‌گرایان را تقویت می‌کرد. بر همین اساس، گفته می‌شود که دولت ایالات متحده در طول جنگ سرد، با سرمایه‌گذاری عظیم سه میلیارد دلاری که بزرگترین برنامه کمکی به یک نیروی «شورش‌ی» در طول تاریخ محسوب می‌شود، اسامه بن لادن و پیروان او را آموزش داد، مسلح ساخت و حمایت کرد. (Theinsider.Org, 2015)

۱-۳- سیاست‌های امنیتی آمریکا در منطقه خاورمیانه

سیاست‌های امنیتی آمریکا در منطقه خاورمیانه در مقاطع مختلف تأثیرات متفاوتی برجای گذاشته و در این بین، به سهم خود بخش مهمی از مبانی هویتی-ایدئولوژیکی گرایش به اسلام‌گرایی افراطی را در خاورمیانه موجب شده‌است. این سیاست‌ها تاکنون در پنج مرحله در شکل‌گیری و گسترش اسلام‌گرایی افراطی در خاورمیانه، و نمونه اخیر آن، یعنی گروه تروریستی داعش تأثیر داشته است. این پنج مرحله عبارتند از: نخست، پایه‌گذاری و حمایت طالبان و القاعده، با هدف مقابله با کمونیست در افغانستان در قالب سیاست سد نفوذ، مرحله دوم؛ بعد از جنگ خلیج فارس و تحریم عراق در جهت سیاست ایجاد نظم نوین جهانی بوش پدر، مرحله سوم و چهارم: اشغال افغانستان و عراق در چارچوب سیاست خاورمیانه بزرگ و در قالب جنگ علیه تروریسم و در نهایت در مرحله پنجم با دخالت در جنگ داخلی سوریه و تعریف سقوط رژیم بشار اسد در سیاست‌های امنیتی خود، و در نتیجه تجهیز مخالفان در سوریه که به تقویت و گسترش فعالیت‌های اسلام‌گرایان افراطی منجر شد. (شفاعت، ۱۳۹۵: ۳۳)

پس از حملات ۱۱ سپتامبر، دولت آمریکا تصمیم به استقرار پایگاه‌های نظامی خود علیه القاعده، (طراح احتمالی حملات به برج‌های دوقلو)، در افغانستان و عراق گرفت. علی‌رغم اینکه، القاعده در زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ در خاک عراق حضور نداشت، اما در سال‌های بعد، در سایه هرج و مرج ایجاد شده، زمینه ایده آلی را برای دست‌اندازی و افزایش

^۱ Containment

سلطه خود در عراق و فراتر از آن بدست آورد. (Chilcot,2016) در زمان اشغال عراق دو تصمیم سرنوشت ساز از سوی نیروهای ائتلاف، ظهور داعش را سرعت بخشید. تصمیم اول حذف بعضی‌ها از حکومت عراق و تصمیم دوم منحل کردن ارتش عراق بود. این تصمیمات در بین سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷ بذر درگیری‌های فرقه‌ای را در عراق کاشت و زمینه ساز درگیری شیعه و سنی در عراق شد و از طرف دیگر، سنی‌ها را نیز به جنگ علیه شیعیان ترغیب نمود. تصمیم حکومت موقت ائتلاف در عراق، بیشتر جمعیت سنی را تحت تأثیر خود قرار داد. به طور نمونه، «هشام داوود» مردم‌شناس فرانسوی و متخصص قبایل عراق معتقد است «تصمیم‌های فاجعه بار «پل برمر»^۱ حاکم غیرنظامی دولت آمریکا در عراق (۲۰۰۳-۲۰۰۴) - که از حمایت دولت‌های تحت حاکمیت احزاب شیعه نیز بر خوردار بود - به بیرون راندن نظامیان وابسته به قبایل حامی صدام منجر شد؛ آنها تبدیل به دشمن شدند و از رتبه، حقوق و رده اجتماعی خود محروم گردیدند» به گفته وی این گروه‌ها از بعثیسم به افراطی‌گرایی تندرو گرایش پیدا کردند و ستون نظامی، امنیتی و سیاسی داعش را تشکیل دادند. پس از سال ۲۰۱۰ نیز، طوایف مختلف سنی در عراق به دلیل اعمال تبعیض سیستمی و حاشیه‌سازی آنها و مجموعه‌ای از خلف وعده‌ها از سوی دولت، از القاعده حمایت کردند و روند تشکیل دولت اسلامی عراق و شام را تسهیل نمودند. (Burke,2015,74-78)

بر این اساس، اگر چه خود کشورهای غربی سهم عظیمی در پیدایش افراط‌گرایی خاورمیانه داشته‌اند؛ اما همواره در مورد چرایی ظهور و بروز داعش، به لحاظ اعلانی، تمرکز مباحث آنها بر مسائل داخلی کشورهای عراق و سوریه بوده است. به عنوان نمونه، گزارش پنتاگون در سال ۲۰۱۲ ظهور احتمالی سازمانی مثل داعش را پیش‌بینی کرده بود؛ در این گزارش آمده است: «اگر این وضعیت پایان نیابد، این دقیقاً همان چیزی است که قدرتهای حامی گروه‌های مخالف برای منزوی ساختن رژیم سوریه نیاز دارند. از این منظر، می‌توان نتیجه گرفت که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) نه تنها مایل به انفعال در ظهور گروه تروریستی داعش بوده است؛ بلکه نسب به برآمدن آن هم علاقه‌مند بوده است.» (Hugh,2015:5-10) با در نظر گرفتن این احتمال که قدرتهای غربی دست کم به طور سهوی، در ایجاد این گروه‌های جهادی و خشن، دخیل و اثرگذار بوده‌اند، دیگر نیازی به اثبات نیت آنها وجود ندارد. لذا این توافق عمومی

¹ Paul Bremer

وجود دارد که در نبود و عدم حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، آنچه را که امروز داعش نامیده می‌شود؛ احتمالاً وجود خارجی نداشت.

۱-۴- خیزش‌های عربی

از دیگر رویدادهای موثر در ظهور و گسترش داعش، خیزش‌ها و ناآرامی‌های جهان عرب بود که در سال ۲۰۱۰ این قلمرو را تحت تأثیر خود قرار داد. این رویدادها برای داعش فرصتی جهت گسترش در سوریه فراهم نمود. در سایه هرج و مرج ایجاد شده توانست از شکاف طبیعی موجود بین اقلیت سنی سوریه و اقلیت‌های شیعه علوی تحت رهبری بشار اسد که کشور را از دهه ۱۹۷۰ کنترل می‌کردند، استفاده کند. ظهور داعش در سوریه تا حدودی نتیجه یک راهبرد عمدی بود که به وسیله بشار اسد جهت تقسیم کشور میان مخالفانش اتخاذ کرده بود. اسد می‌خواست این طور وانمود کند که جنگ و درگیری در کشورش میان او و افراطی‌گرایان اسلامی است. این امر، بهترین شانس بقاء و مشروعیت را برای او فراهم می‌کرد. (Reuter, 2015) یکی دیگر از عوامل مهم و موثر در ظهور داعش در سوریه حمایت کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آنها از شورشیان سوری بود که در داستانی اشتباه پایان یافت و نتیجتاً به ضعف قدرت مرکزی و قدرت گرفتن داعش منجر شد. در آغاز جنگ داخلی سوریه، کشورهای غربی به سرعت تحریم‌هایی را بر رژیم بشار اسد اعمال کردند و همراه با متحدانی در خاورمیانه (به ویژه ترکیه، عربستان سعودی و قطر) به ایجاد مخالفت منطقه‌ای با رژیم اسد کمک کردند. تأثیرات ناخوشایند برخی از اقدامات انجام شده مانند لغو تحریم نفتی توسط اتحادیه اروپا در ماه آوریل ۲۰۱۳ به طور مؤثر به حمایت اروپا از گروه‌هایی مانند جبهه النصره^۱ و القاعده منجر شد. (Borger and Mahmood, 2013)

از ماه آوریل ۲۰۱۳، همهٔ این تحولات، راه را برای ابوبکر البغدادی، رهبر داعش هموار کرد تا کنترل خود را بر نوارهای ارضی هر دو طرف مرز سوریه و عراق تحکیم بخشد. او در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴، موجودیت دولت اسلامی عراق و شام را اعلام، و خود را به عنوان "خلیفه"^۲

^۱ جبهه النصره با نام رسمی جبهه یاری شامیان، گروهی اسلام‌گرای سلفی و شاخه رسمی القاعده در سوریه است که در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ به وسیله ابومحمد جولانی در سوریه تأسیس شد. جبهه النصره در حمایت از اکثریت سنی مذهب سوریه وارد جنگ علیه نیروهای دولتی سوریه شد و در اواخر ژوئیه ۲۰۱۶ میلادی با تغییر نام خود به جبهه فتح شام از القاعده جدا شد.

^۲ این واژه، عنوان و لقبی است که در قانون جوامع اسلامی یا شریعت، به رهبر امت اسلامی داده شده است. این واژه از ریشه خلف می‌آید و به معنی جانشین یا نماینده است. به نخستین خلفای مسلمانان خلیفه رسول الله (جانشین پیامبر خدا) می‌گفتند.

سراسر جهان معرفی کرد. ابوبکر البغدادی نهادی به نام خلافت را که از زمان نابودی توسط مصطفی کمال آتاتورک در ترکیه در سال ۱۹۲۴ به طور رسمی وجود نداشت، مجدداً تأسیس کرد، سپس به سرعت منطقه تحت کنترل خود را پاکسازی کرده و در ۱۰ ژوئن سال ۲۰۱۴، موصل تصرف شد. کمتر از یک سال و نیم بعد، شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد داعش "یک تهدید جهانی و بی سابقه برای صلح و امنیت بین المللی است." (شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵)

۲. دلایل بقاء و گسترش داعش

یکی از سوالات مهم درباره داعش این است که، این گروه چگونه توانست به بقای خود ادامه دهد و حوزه جغرافیایی خود را گسترش دهد؛ درحالی که تحت فشارهای فزاینده از سوی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داشت؟ یک تحلیلگر سیاسی می‌گوید: "اینکه داعش همراه با پیام افراطی خود، از منطقه‌ای شروع شود که تحولات سیاسی و اجتماعی (تحولات موسوم به بهار عربی) مهمی را تجربه می‌کند، منطقی نظر نمی‌رسد" (Stansfield- 2016, 145-151). داعش برای بقای خود راهبردی را دنبال می‌کرد که دارای نقاط ضعف بسیاری بود و نهایتاً زمینه شکست آن را نیز فراهم کرد.

کل راهبرد داعش مبتنی بر یک چشم انداز هزارساله‌ای بود که با یک رویکرد ایدئولوژیک غیرقابل انعطاف، بی‌رحم و خشن اجرا می‌شد و برقراری یک خلافت دیرپا را هدف خود قرار داده بود. داعش در ابتدا کلید موفقیت مورد انتظار خود را تمرکز بر "دشمن نزدیک"^۱ می‌دانست ولی بعداً با هدف قرار دادن "دشمن دور"^۲ تکامل یافت. به دلایلی روشن، سازمان‌های تروریستی عموماً از کنترل قلمرو مشخصی خودداری می‌کنند. با این حال، ابوبکر البغدادی باور داشت که خلافت "یک آهنربا خواهد بود" (Doombos and Moussa, 2016) که می‌تواند نیروهای جهادی را دور خود جمع کند؛ بنابراین برای پیشبرد هدف خود تلاش کرد و موجودیت دولت خود را در قالب خلافت اسلامی اعلام نمود. پارادوکس اصلی داعش برای ایجاد یک دولت این است که در حالی که دولت مورد نظر او در قالب خلیفه، نظم و استفالی را بکلی رد می‌کند، اما بسیاری از ساز و کارهای دولت و استفالی را پذیرفته است. در هر حال این دولت به

^۱ Near Enemy

^۲ Far Enemy

سرعت، قلمرو زیادی را در عراق و شام تصرف کرد و توانست در مقابل فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی نیز مقاومت کند.

۲-۱- تفاسیر و موارد استفاده از اسلام

داعش با احیای نهاد خلافت و ادعای اجرای شریعت اسلامی، تلاش کرد برای خود مشروعیت کسب کند. با توجه به اهمیت نمادین خلافت برای مسلمانان، اعلام آن و برقراری یک دولت در قالب آن بسیار مهم است. احیای نهاد خلافت در جهان اسلام مورد مناقشه و اختلاف بسیار است. (Jackson, 2015) از این منظر داعش نیز، بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است. اولاً، بسیاری از مسلمانان این ایده را که برخی افراد می‌توانند خود را به عنوان خلیفه معرفی کنند؛ رد می‌کنند. دوم اینکه، اصل و نسب ابو بکر بغدادی مورد اعتراض است. او ادعا می‌کند که نسب او از قبیله قریش و حضرت محمد (ص) می‌باشد؛ در حالی که بسیاری از مسلمانان به طور جدی به این ادعا اعتراض کرده و آن را رد کرده‌اند. (Burke, 2015)

روشن است که ادعای داعش در مسلمانی و اجرای شریعت اسلامی (از نظر آنها)، آنها را در رسیدن به اهداف عملی بسیار کمک کرد، اما این ادعا در حال حاضر، به شدت از سوی دیگر مسلمانان به چالش کشیده شده است. تفسیر کوتاه فکرائه آنها از اسلام و قوانین اسلامی، ریشه در گذشته و مخصوصاً وهابیت دارد. وهابیت در قرن هجدهم و از درون سلفیسم به وسیله محمد بن عبد الوهاب (۱۷۹۲-۱۷۰۳) بینانگذاری شده است، و آشکارا بر نیاز به اسلام برای پاک شدن از هرگونه نوآوری دینی از طریق بازگشت به منشاء سلفیسم سه نسل اول مسلمانان تأکید می‌کند. (Crook, 2009) در حالی که هیچ ایدئولوژی مشخص و واحد داعشی بدین صورت وجود ندارد، اما برخی از اولین اصول ایدئولوژی داعش، در کتاب کلیدی آن به نام مدیریت وحشیگری^۱ نوشته ابوبکر ناجی^۲، مطرح شده است. اولین انتشار آنلاین این کتاب در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت. او در این کتاب استدلال می‌کند که "اعمال خشونت آمیز فداکارانه و جسورانه^۳ - چه توسط افراد، چه گروه‌های کوچک، می‌تواند زمینه‌ای از بین رفتن اعتماد مردم به

^۱ The Management of savagery

^۲ ابوبکر ناجی تئورسین القاعده است که زمانی سرپرست اتاق فکر داعش محسوب می‌شد. او در سال ۲۰۰۴ کتابی به زبان عربی به نام اداره التوحش نوشت که در واقع یک استراتژی و دستورالعمل برای گروه‌های جهادی محسوب می‌شود.

^۳ Acts Of Daring Sacrificial Violence

توانایی دولت‌ها، برای تامین امنیت در غرب و خاورمیانه را فراهم آورد و از طرف دیگر سبب دو قطبی شدن جامعه به مسلمانان و غیر مسلمانان شود". (Atran,2016)

با توجه به دیدگاه‌های افراطی داعش، شناخت ایدئولوژی آن برای درک علل شکست آن بسیار مهم و منطقی است. (Hassan,2016) البته شناخت این مسئله که داعش از ایدئولوژی خود بیشتر جهت رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کرد بسیار مهمتر از درک و شناخت ماهیت این ایدئولوژی است. مهمتر از همه اینکه، همان طوری که لینا خطیب متخصص مسائل خاورمیانه نوشت: "ایدئولوژی هدف اصلی این گروه نیست، بلکه ابزاری جهت به دست آوردن قدرت و پول است. این گروه به طور مدام شریعت را آن طور تفسیر می‌کنند که اعمال و رفتار آنها را تصدیق کند". (Khatib,2015) به طوری که اغلب زمانی که به مسائل سیاسی می‌رسند، آنچه که مردم انجام می‌دهند بیشتر رفتار غیر ایدئولوژیک و نشان دهنده اهدافشان است تا آنچه که اعلام می‌کنند. به بیان دیگر آنچه انجام می‌دهند با آنچه می‌گویند کاملاً متفاوت است. در این خصوص داعش نیز با بقیه متفاوت نیست.

۲-۲- حکمرانی از طریق جنگ و درگیری

داعش در نتیجه هرج و مرج متولد شد و ادامه این هرج و مرج، بهترین شانس را برای ادامه حیات و گسترش حوزه نفوذ آن فراهم ساخت. هدف اصلی داعش گسترش حوزه خلافت خود در همه کشورهای اسلامی در جهان و نهایتاً پیروزی در یک جنگ آخرالزمانی علیه غرب است. راهبرد بزرگ و اصلی داعش شامل چندین راهبرد فرعی دیگر می‌شود که عبارتند از: یک راهبرد در درون سرزمین اصلی خود، یک راهبرد برای مراکز قدرت منطقه‌ای، یک راهبرد برای جهان اسلام و دیگری برای جهان غیرمسلمان. (Lister,2014) داعش برای رسیدن به این اهداف، درگیری‌های محلی را راه می‌اندازد به این امید که آنها را به جنگ‌های گسترده‌تر فرقه‌ای تبدیل کند؛ جهان را قطبی می‌کند و تلاش دارد ائتلاف‌های مخالف خود را درهم شکند. شرایط موجود در عراق، سوریه، لیبی، افغانستان، یمن و برخی از کشورهای دیگر که داعش در آنها فعال است در وضعیت اختلال و درگیری قرار دارد و همین شرایط ادامه حیات داعش را ممکن ساخته است. علی‌رغم اینکه، این گروه، قلمرو خود را در سوریه و عراق از دست داده است، همچنان توانسته به حیات خود ادامه دهد. (Lewise et al.2016) از طرف دیگر داعش با رقبای ایدئولوژیکی خود نیز مبارزه می‌کند؛ برادری مسلمانان را به چالش می‌کشد،

با القاعده می‌جنگد و به طالبان آسیب وارد می‌کند. (Lewise et al,2016.43) بخشی از این راهبرد این است که به گروه‌هایی با دستورالعمل‌های کاری مختلف اجازه همکاری نمی‌دهد، اما از طرف دیگر، بیعت رهبران قبیله‌ای را که قبلاً مخالف دولت اسلامی در عراق بودند، می‌پذیرد. (Fromson and simon,2015.7-56) راهبرد داعش در دنیای غیر مسلمانان در ابتدا بر قطبی سازی و ایجاد شکاف در جوامع اروپایی و ایجاد فرصت‌هایی جهت نفوذ در هسته آنهاست. در درجه دوم، داعش از طریق مجبور کردن آنها به افزایش اقدامات دفاعی، تضعیف دولت‌های غربی و روسیه را دنبال می‌کند. نهایتاً، در کشورهای غربی مردم را به بازگشت به ملی‌گرایی تشویق می‌کند تا از این طریق بتواند اختلاف و تعارض میان آنها را تقویت کند. (Lewise et al,2016)

۲-۳- سربازگیری

ابزار مهم دیگری که در بقا و ادامه حیات داعش، نقش اساسی داشت، سربازگیری^۱ و جذب نیرو است. داعش از شیوه‌های مختلفی بدین منظور استفاده می‌کرد. در میان این شیوه‌ها، انگیزه‌های اقتصادی مهمترین و موثرترین ابزار برای جذب نیرو است، برای مثال داعش از طریق پرداخت حقوق‌های بسیار بالا، نسبت به دیگر گروه‌های جهادی نیروهای خود را جذب می‌کرد. (Khatib,2015) داعش همچنین برای جذب نیرو "زنان مجرد و پولدار" را به مردان جوان وعده می‌داد. (the united nations security council) شیوه دیگر داعش در جذب نیروهای خارجی استفاده از شیوه تلقین هم‌کیش و هم‌فکر بودن است؛ با این شیوه داعش پس از جذب نیرو، از طریق جدا کردن آنها از شبکه‌های اجتماعی و سرکوب فردیت آنها، تلاش می‌کرد رابطه آنها را با سرزمین اصلی قطع و آنها را به خود وفادار نماید. (Gaub,2016) با وجود اینکه برآوردهای صورت گرفته درباره تعداد نیروهای داعش متفاوت است، اما "اغلب برآوردها، توافق دارند که نیروهای اصلی آنها حداقل ۳۰ هزار نفر، به همراه ۵۰ تا ۷۰ هزار نفر اعضای محلی و نیروهای کمکی و نیمه وقت بوده است". (Jones and solmon,2015) تعداد جنگجویان خارجی این گروه حدود ۲۷ هزار نفر (دسامبر ۲۰۱۵) تخمین زده شده است. (the united nations security council) از این ۲۷ هزار نفر بر پایه اطلاعات مرکز بین‌المللی ضد تروریسم (ICCT)^۲ حدود ۶۰۰۰ هزار نفر از اروپا هستند. (آوریل ۲۰۱۶) (Schmid and

¹ Recruitment

² International Center for Counter-Terrorism

(Tinnes,2015) به عنوان مثال تا آوریل ۲۰۱۶ از ۲۶۰ جهادگر هلندی که به سوریه رفته‌اند، حدود ۱۸۰ نفر هنوز در آنجا بودند. (Schmitt,2016)

۲-۴- گسترش از طریق وابسته‌های خود

بخش دیگری از راهبرد داعش این است که علاوه بر حفظ قلمرو خود، برای گسترش آن نیز در چارچوب وابسته‌های^۱ خود تلاش کند. ایده‌ای که پشت این راهبرد قرار دارد؛ این است که باید سیستم بین‌المللی دولت به شکل کنونی از بین برود. از دیدگاه داعش تنها جایگزین منطقی دولت کنونی، تلاش برای استقرار یک امت جهانی یا جامعه‌ای از مسلمانان است. راهکار رسیدن به این هدف، بر اساس مدیریت خشونت، ایجاد اختلاف و دو قطبی کردن جوامع است. بر اساس این دیدگاه^۲ وقتی خشونت و ناامنی در چندین منطقه ایجاد شود، به طور ناخودآگاه نوعی از دو قطبی شدن و اختلاف در میان مردم مناطق آشوب زده آغاز می‌شود. (Naji,2006) بنابراین، دیگر مرزهای جغرافیایی، تنها عامل محدود کننده و جدا کننده بین دولت‌ها نیستند، بلکه عامل تعیین کننده، میزان مناطق مسلمان نشین است که می‌تواند سبب گسترش تأثیر مسلمانان در آن مناطق شود. به عنوان مثال این راهبرد می‌تواند تأثیر مسلمانان را در اروپا افزایش دهد. سازمان ملل متحد گزارش کرد، تا آوریل ۲۰۱۶ داعش موفق به کسب ۳۴ وابسته به خود در مناطقی از لیبی، افغانستان، پاکستان، الجزایر و اندونزی شده است. (The Economist,2016) عقب نشینی‌های اخیر داعش (۲۰۱۷) باعث بازخوانی در درون سازمان داعش شده است، به طوری که^۳ "در بسیاری از موارد، در حال تبدیل شدن به یک سازمان تروریستی بی دولت و متعارف است. (IHS,2017)

۲-۵- حکمرانی

علی‌رغم اعلام سازمان سیاسی خلافت، داعش خیلی زود دریافت که در ایجاد یک دولت باید ساختارها و سیستم‌های مبتنی بر دولت مدرن و حکمرانی^۲ را پیاده سازی کند. بر این اساس از تجربیات مقامات سابق حزب بعث عراق کمک گرفت. (Smith,2016) در واقع بخش مهمی از رهبران داعش، از مقامات سابق بعثی عراق تشکیل شده است، داعش تلاش کرده است در قالب یک راهبرد متمرکز با فراهم ساختن خدمات اجتماعی و کالاهای عمومی

^۱ Affiliates

^۲ Governance

شامل خدمات آب، برق، اجرای قانون، مراقبت‌های بهداشتی، کنترل عمومی، اشتغال، آموزش و غیره، نظر مثبت مردم را نسبت به خود جلب نماید. در این راهبرد ابزارهایی مثل رادیو برای دسترسی عموم در نظر گرفته شده است. (Itani, 2014) البته در کنار این خدمات عمومی، سیستمی ساخته شده از خشونت و سرکوب علیه مردم نیز وجود دارد؛ این سیستم با شبکه‌ای از مخبران پشتیبانی می‌شود که حتی کودکان را جهت گرفتن گزارش و خبر از والدین خود و ارائه به مقامات، بسیج می‌کنند. علی‌رغم چشم انداز بسیار خشونت آمیزی که از عملکرد داعش وجود دارد و در پاره‌ای از موارد غیر قابل انعطاف نیز هست، اما در باب مشروعیت داعش ذکر این نکته نیز لازم است که در دیدگاه بسیاری از سنی‌ها داعش به "مشروعترین بازیکن" در قلمرو خود تبدیل شده بود. (Framson and Simon, 2015: 7-56)

۲-۶- منابع مالی

سازمان ملل متحد در اولین گزارشی که درباره این سازمان نوشت، اعلام نمود:^۲ "داعش ثروتمندترین سازمان تروریستی جهان است. (UN Report, 2017) منابع درآمدی داعش متعدد هستند. یکی از منابع بسیار قابل توجه درآمد داعش، غارتگری و آدم ربایی است. سازمان ملل متحد "برآورد می‌کند که حدود ۲۵ درصد مکان‌های باستانی در سوریه (از جمله بیش از ۲۱ درصد زمین‌ها تحت کنترل داعش) تحت چپاولگری داعش بوده است. داعش همچنین از "قاچاق عتیقه‌ها توسط گروه‌های جنایتکار که مجوز استخراج و قاچاق را از مقامات داعش خریداری می‌کردند" پول بدست می‌آورد (Burke, 2015: 95) درآمد برآورد شده برای این فعالیت در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار در سال است. (Charbonneau, 2016) منبع دیگر درآمدی داعش، خون‌بهایی است که از گروگان‌های خود دریافت می‌کند. براساس برآورد گروه «مأموریت کمک‌های ملل متحد برای عراق» (یونامی)^۳ در سال ۲۰۱۴ خون‌بهای

^۱ The Most Legitimate Player

^۲ برای اطلاع بیشتر از جزئیات این گزارش رک به:

United Nations "Report of the Secretary - General on the Threat Posed by ISIL (Daesh) to International Peace and Security and the Range of United Nations Efforts in Support of Member States in Countering the Threat," January 29, 2016, http://www.un.org/en/sc/ctc/docs/2016/N1602353_EN.pdf.

^۳ United Nations Assistance Mission for Iraq

پرداختی توسط خانواده گروگان ها بویژه جامعه ایزدی‌ها بین ۳۵ تا ۴۵ میلیون دلار بوده است. (UN Report,2017)

منبع دیگر درآمد داعش، فروش غیرقانونی نفت است. هرچند برآورد میزان این درآمد متغیر است، اما یونامی برآورد کرده است "درآمد داعش از نفت و محصولات نفتی در سال ۲۰۱۵ بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار بوده است. همچنین گزارش روزنامه فایننشیال تایمز حاکی از آن است که در اکتبر سال ۲۰۱۵ "مهندسان محلی حدود ۳۴ تا ۴۰ هزار بشکه نفت در روز تولید می‌کردند و آن را در محدوده همان چاه‌ها بین ۲۰ تا ۴۵ دلار برای هر بشکه می‌فروختند و روزانه به طور متوسط ۱.۵ میلیون دلار به دست می‌آوردند. (Jones and Solo- mond, 2015) با وجود اینکه تمرکز منابع مالی داعش بر تجارت نفت بوده است، اما اصلی‌ترین منبع درآمدی داعش، مالیات است. سازمان ملل متحد در این باره گزارش داد: "داعش با اخاذی و تهدید، بر فعالیت اقتصادی حدود ۸ میلیون نفر از افراد تحت کنترلش در منطقه، مالیات بسته است. داعش همچنین تلاش می‌کند تا با نامیدن این مالیات به نام "مالیات مذهبی" یا "زکات" این سیستم را مشروع جلوه دهد. این مالیات ها شامل ۲.۵ درصد از سرمایه حاصل از کسب و کار، کالا و محصولات کشاورزی افراد است. (The united nations,2107) همچنین، داعش برای مدتی، بخشی از حقوق و مستمری مقامات دولت عراقی مستقر در محدوده تحت کنترل خود را دریافت می‌کرد. با توجه به منابع درآمدی دولت داعش، کنترل مرزهای قلمرو داعش و همچنین حمله به زیرساخت‌های تحت کنترل آن بر جریان درآمدی آنها تأثیر فراوانی گذاشت؛ به طوری که در اوسط ۲۰۱۵، درآمد کلی ماهیانه دولت اسلامی حدود ۸۰ میلیون دلار بود و در ماه مارس ۲۰۱۶، این درآمد به ۵۶ میلیون کاهش پیدا کرد. سازمان ملل متحد در ژوئن ۲۰۱۶ گزارش داد که "داعش برای اولین بار از زمان اعلام خلافتش در ژوئن ۲۰۱۴ تحت فشار شدید مالی است. این امر به وضوح با اعلان رسمی داعش، در اواخر سال ۲۰۱۵، از کاهش ۵۰ درصدی حقوق جنگجویان در رقه سوریه به خوبی دیده می‌شود.

اگرچه منابع مالی و انسانی که داعش در قلمرو خود به آن متکی است برای بقای آن حیاتی بود، اما احتمال اینکه بدون حمایت مالی منطقه‌ای توانسته باشد به مسیر خود ادامه دهد، بسیار ضعیف است. همچنین اگرچه احتمال کمک کشورهای منطقه به این گروه تروریستی شدیداً مورد بحث قرار گرفته است، اما پاتریک کوکبرن با صراحت کامل اظهار داشت: "منابع تغذیه

¹ Religious Tax

کننده داعش و دیگر جنبش‌های جهادی سنی در عراق و سوریه، کشورهایی چون عربستان سعودی، پادشاهی‌های خلیج فارس و ترکیه هستند. (Cockburn, 2014)

۲-۷- پشتیبانی عمومی

علی‌رغم تنفر شدید و گسترده‌ای که جنایات داعش ایجاد کرده بود، این گروه توانسته بود حمایت‌های عمومی قابل توجهی را از گوشه و کنار دنیا بدست آورد. داعش روشهای مختلفی جهت حفظ حمایت از جانب مردم تحت کنترل خود بکار می‌گرفت. ابزار اصلی که داعش از طریق آن، این پشتیبانی محلی را مدیریت کرده است، بازی با ترس جمعیت سنی محلی است.^۱ در واقع، "بسیاری از سنی‌ها، حکومت داعش را، به همراهی کردن با پروژه ساخت دولت میهن پرست شیعی^۲ که به نظر آنان به طور سیستماتیک آنها را به خارج از دولت رانده است، ترجیح می‌دهند. (Fromson and Simon, 2015) عامل دیگری که در اوایل شکل‌گیری داعش در عراق، سبب حمایت بخشی از مردم سوریه از داعش شد، "عدم وجود خط مقدم بین ارتش سوریه با دولت اسلامی بود که همانند یک معاهده عدم تجاوز نانوشته بین این دو عمل کرد و امکان درگیری ارتش سوریه با دولت اسلامی را از بین برد. نبود درگیری، بسیاری از سوریان را تشویق کرد که برای حفظ امنیت خود به مناطق تحت کنترل دولت اسلامی بروند. (Khatib, 2016)

راهبرد مشابه دیگری که از طرف داعش برای جلب حمایت، در جهان غیر مسلمان بکار گرفته شد این است که از خشونت برای کاشتن بذر انشقاق و شکاف در جامعه استفاده می‌شود. همان‌طور که جیمز میلر^۳ نوشت، "این فرمول ساده، ولی به صورت مرگباری مؤثر است و بدین صورت عمل می‌کند که وجود جهادگران داخلی در کشورهای غربی همانند فرانسه، بلژیک و انگلیس سبب می‌شود دولت‌های مربوطه جوامع مسلمان خود را بیشتر نظارت و کنترل کنند. هر چه بیشتر آنها را نظارت و کنترل می‌کنند، بیشتر باعث خشم و نارضایتی میان آنها می‌شوند و هر چه نارضایتی بیشتر شود جهادگران بیشتری نیز متولد می‌شوند. این همان تعریف دور تسلسل (باطل)^۴ است". (Miller, 2016) به عبارتی دیگر، حملات سازماندهی شده یا القاء شده به وسیله داعش، جوامع اروپایی را که با ترس هدایت می‌شوند دو قطبی

^۱ Playing Into The Fears of The Local Sunni Population

^۲ The Chauvinist Shia State – Building Project

^۳ James Miller

^۴ Vicious Circle

(مسلمان و غیر مسلمان) می‌کنند. این دو قطبی شدن زمینه بیشتری را برای سربازگیری داعش فراهم می‌کند. (Burke,2016) با این حال بررسی‌های اخیر مرکز تحقیقات پیو^۱ نشان داد، اکثریت بزرگی در کشورهایی مانند لبنان (۹۸ تا ۱۰۰ درصد)، اسرائیل (۹۱ تا ۹۸ درصد) و فلسطین (۷۹ تا ۹۲ درصد) این تاکتیک‌های تفرقه انداز را رد می‌کنند. (PRC,2015)

۲-۸- راهبرد ارتباطات

ابزار دیگری که داعش، برای بقا و سازماندهی خود به طور گسترده از آن استفاده کرده است، ابزار ارتباطی^۲ است. هرچند داعش، برقراری مجدد خلافت قرن هفتم را هدف خود قرار داد، اما ابزار و شیوه‌های ارتباطاتی مورد استفاده آن، از بسیاری جهات کاملاً مدرن و به روز بودند. به مدد این ابزار خبر رسانی از درون این ساختار به ظاهر خلیفه، به طور مستمر در حال انجام بوده است. (Wood,2015) تبلیغات داعش برای اهداف مختلفی صورت می‌پذیرد که عبارتند از: حمایت از روایت تفرقه انگیزانه و آخرالزمانی خود، تلاش برای جذب نیرو در درون و بیرون قلمرو خود و همچنین برای اهداف نظامی و راهبردی. مهمترین خصلت ایدئولوژیکی محتوای رسانه‌ای داعش، تاکید شدید بر درجه حقارتی است که مسلمانان از آن رنج برنده‌اند. داعش بر آن است که باید انتقام این حقارت گرفته شود و گرفته خواهد شد. علاوه بر این، بسیار بر ریاکاری غرب و جرایمی که علیه مسلمانان مرتکب شده‌اند، تأکید می‌کند. با این حال، به طور کلی، راهبرد رسانه‌ای داعش، استفاده از ویدئوهای جنایت آمیزی است که اغلب مصرف محلی دارند. برای مثال، در مناطقی که به شدت تحت کنترل داعش هستند، نشان می‌دهند که چگونه در حکمرانی و مدیریت خود موفق عمل می‌کنند و در مناطقی که در حال جنگ هستند، اعداهای گرافیکی را نشان می‌دهند. (Burke,2016.101) ابزار اصلی داعش برای گسترش تبلیغات، استفاده از شبکه‌های اجتماعی همچون فیسبوک و توییتر بود. البته آنها از این شبکه‌ها برای جذب نیرو نیز استفاده می‌کردند. (ISH,2015) داعش مجلهٔ اینترنتی خود را که قبلاً Dabiq نامیده می‌شد و بعداً به Rumiayah (رم) تغییر نام داد، منتشر می‌کرد. این مجله، نسخه‌ای سانسور شده از واقعیات زندگی در منطقه تحت کنترل داعش را دنبال می‌کرد و به دنبال تطهیر کردن آن واقعیات بود.

^۱ Pew Research Center

^۲ Communication Strategy

۳. بقا از طریق ویژگی‌های ژئوپلیتیکی

اگرچه هرج و مرج و آشوب‌های منطقه‌ای، زمینه‌های ظهور داعش را فراهم ساخت، اما ژئوپلیتیک، این گروه را قادر ساخت تا برای مدت زمانی نسبتاً طولانی به حیات خود ادامه دهد. در اصل، ژئوپلیتیک بزرگترین پارادوکس را در عملکرد همه طرف‌های درگیر در سوریه و عراق منعکس می‌کند و بدین معنا است که درحالی که همه طرفین درگیر در جنگ سوریه و عراق به طور رسمی اعلام می‌کردند که با داعش می‌جنگند، اما به طور خاص، تعداد کمی از آنها منابع خود را برای مبارزه با بزرگترین عامل تروریستی منطقه یعنی داعش بسیج کرده بودند. این امر دارای دلایل متعددی بود، اولین دلیل این است که قدرت‌های درگیر، به جای غلبه بر داعش، بیشتر از منافع راهبردی خود دفاع می‌کردند، این منافع راهبردی نیز، خیلی مورد تهدید داعش نبوده است؛ در نتیجه اگرچه گروه‌های افراطی و شورشی که با دولت بشار اسد مبارزه می‌کردند، بسیار ضعیف تر از داعش بودند، اما نسبت به داعش تهدید بسیار جدی‌تری برای رژیم اسد محسوب می‌شدند؛ به همین خاطر بسیاری از قدرت‌های درگیر در سوریه که منافع راهبردی آنان در حفظ رژیم بشار اسد است، به جای مبارزه با داعش، بیشترین تمرکز خود را بر مبارزه با این گروه‌های معارض سوری قرار داده بودند. دلیل دوم این است که، برخی از این کشورها از پیامدهای واقعی شکست داعش می‌ترسیدند، و دلیل سوم این بود که، بسیاری از این قدرت‌ها از تحریک داعش که سبب حمله به خاک آنها شود، خودداری می‌کردند.

با نگاهی به اهداف قدرت‌های درگیر در بحران سوریه، بهتر می‌توان به دلایل رفتار متعارض آنها پی برد. برای روسیه، با توجه به نوع روابط آن با اسد، دلیل اصلی که روسیه تا ابتدای سال ۲۰۱۷ تنها به حمله اسمی به داعش اکتفا کرده بود، این بود که حمله واقعی را به نفع خود و اسد نمی‌دید؛ در مقابل، ایران ضمن تمایل به حفظ دولت بشار اسد، به دلیل ایدئولوژی ضد شیعی داعش، حضور آنها را در نزدیکی مرزهایش، تهدید جدی برای خود می‌داند و از طرفی دیگر داعش را مانعی جهت نفوذ خود در عراق می‌بیند؛ حمله داعش به مجلس ایران در تهران شرایط لازم، جهت حضور نیروهای ایرانی در عراق و سوریه را فراهم کرد و دلایل کافی برای اقدام نظامی ایران، در عراق و سوریه فراهم شد. بنابراین ایران به طور مستقیم در عراق علیه داعش درگیر می‌شود. موقعیت ترکیه عمدتاً تحت تاثیر جنگ با نیروهای کرد قرار دارد و هدف اصلی آن جلوگیری از کردها در بدست آوردن مناطق بیشتر و همزمان بیرون راندن داعش است. (kozak, 2015) عربستان سعودی و دیگر دولت‌های عرب خلیج فارس نه تنها

دلایل مهمی برای تعهد به شکست دادن داعش ندارند، بلکه به حمایت از این گروه‌ها نیز متهم هستند.

راهبرد آمریکا نسبت به داعش بیشتر به تضعیف، و نه نابودی این گروه متمرکز بوده است؛ البته آمریکا و هم‌تایان غربی تنها کشورهایی هستند که داعش را تهدید اصلی برای ثبات بلند مدت منطقه می‌بینند. آنها از طرفی به جنگ با داعش مایل بودند، زیرا داعش را خطری می‌دانند که ممکن بود قلمرو آن، تا مرزهای ناتو و بسیار نزدیک به اروپا توسعه یابد. به نظر آنان مغلوب ساختن داعش می‌تواند سبب از بین رفتن محبوبیت این ایدئولوژی در جهان شود؛ از طرف دیگر، این کشورها، خیلی به جنگ علیه داعش متعهد نبودند زیرا نسبت به آنچه که در آینده ممکن بود اتفاق بیفتد، نگران بودند؛ آنان شکست داعش را به معنای تقویت دست روسیه و ایران در منطقه می‌دیدند. البته در حال حاضر که داعش شکست خورده است، آشکار شد که این نگرانی آنان کاملاً درست بوده و ایران و روسیه در تحولات پس‌اقدام دست بالا را دارند.

۴. سقوط اجتناب‌ناپذیر داعش

همان طور که در مقدمه مقاله گفته شد، علی‌رغم بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته که بیشتر بر نقش ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در سقوط داعش تاکید می‌کنند، این مقاله، با رویکردی جدید، پاره‌ای از نقاط ضعف ذاتی داعش را به عنوان علل و عواملی که زمینه شکست آن را فراهم ساخت در نظر می‌گیرد. فرض این مقاله بر این است که در ساختار و ایدئولوژی داعش، پاره‌ای از نقاط ضعف وجود داشت که گذشته از نقش ائتلاف‌های شکل گرفته سقوط آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد؛ به عبارتی دیگر، داعش کودک زمان خود بود و بیش از این نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. در ادامه برخی از این نقاط ضعف بررسی می‌شود.

اولین نقطه ضعف داعش مربوط به ساختار خلافت بود که نتوانست در برابر الزامات دولت - ملت مقاومت کند. این یک حقیقت است که دولت - ملت^۱ به عنوان یک اصل سازمان دهنده، همچنان نفوذ خود را حفظ کرده‌است. دولت‌ها در مبارزه با داعش، تا حدود زیادی موفق به کنترل مرزهای خود شدند؛ به طوری که، فضای کافی، برای ادامه حیات خلافت داعش، در سوریه و عراق باقی نماند. ساختار دولت - ملت، این امکان را به دولت‌ها داد تا بتوانند ورود افراد و امکانات را به سوی دولت اسلامی عراق و شام کنترل، و محدود کنند؛ در نتیجه،

^۱ Nation _ State

داعش از نظر ورود جنگجویان و همچنین فروش نفت با مشکلات فراوانی روبرو شد؛ به طوری که تعداد جنگجویان خارجی که در سال ۲۰۱۶ از طریق مرز ترکیه وارد سوریه شدند، نسبت به گذشته به میزان قابل توجهی کاهش یافت. با کنترل مرزها، ماهیانه تنها حدود ۵۰ جهادگر از ۲۰۰۰ جهادگر در ماه توانستند از مرز ترکیه عبور کنند. (Witte, Raghavan and Auley, 2016) این مسئله بر جریان درآمدی داعش نیز تأثیر فراوانی گذاشت. به طوری که در اوسط سال ۲۰۱۵، درآمد ماهیانه دولت اسلامی حدود ۸۰ میلیون دلار بود، و در ماه مارس ۲۰۱۶، این درآمد به ۵۶ میلیون کاهش پیدا کرد. سازمان ملل متحد در ژوئن ۲۰۱۶ گزارش داد که "داعش برای اولین بار از زمان اعلام خلافتش در ژوئن ۲۰۱۴ تحت فشار شدید مالی است. این امر به وضوح در اواخر سال ۲۰۱۵ با اعلان رسمی داعش، از کاهش ۵۰ درصدی حقوق جنگجویان در رقه سوریه به خوبی نشان داده می‌شود. (The united nations, 2017) از سویی دیگر، رفتار فرصت طلبانه ابوبکر البغدادی در انتخاب خلافت، که با هدف کسب مشروعیت و حمایت مسلمانان صورت گرفت، به دلیل اعمال خشونت شدید، مورد انتقاد فراوان قرار گرفت و سبب شد داعش مشروعیت و حمایت عمومی خود را در داخل و خارج خلافت از دست دهد.

یکی دیگر از ضعف‌های ذاتی داعش، راهبرد نظامی آن بود. از لحاظ راهبرد نظامی^۱، "رویکرد متمایز داعش به شورش، یک مزیت قابل توجه نیست. لارنس^۲ عربستان تصریح کرد که شورشیان باید مانند غبار - در همه جا و هیچ جا - باشند؛ هرگز تلاشی برای حفظ زمین یا به خطر انداختن جانشان در جنگ با ارتش‌های منظم نکنند." (The new York review of books, 2015) بر این اساس، راهبرد نظامی داعش برخلاف بسیاری از گروه‌های شورشی، بر پایه داشتن قلمرو مشخص و درگیر شدن با چندین ارتش منظم استوار بود. شکست‌ها و عقب نشینی‌های داعش در برابر این ارتش‌ها به شکاف، انشقاق و درگیری در داخل داعش منجر شدند. (Cammack, 2016) درگیری‌های داخلی توان مقاومت داعش در برابر حملات ائتلاف-های منطقه‌ای و بین‌المللی را از بین برده و نهایتاً زمینه سقوط آن را فراهم ساخت. علاوه بر این، ضعف دیگری که در راهبرد نظامی داعش وجود داشت این بود که داعش به یک رهبری نظامی کارآمد که بتواند تلفات و خسارات وارده را به سرعت جایگزین و جبران کند و همچنین به افراد آموزش دیده‌ای که بتوانند خدمات فنی و پزشکی ارائه دهند، نیاز داشت.

¹ Military Strategy

² Lawrence

ضعف دیگر داعش مربوط به رهبریت دینی آن بود. داعش رهبریت دینی درستی نداشت تا در رفتارها و سیاست‌های خود از آن الهام بگیرد. آنها همچنین نتوانستند دیدگاه‌های نظریه‌پردازان ارشد وابسته به جریان القاعده را مهار کنند. همین موضوع باعث شد؛ آنها بخش عمده‌ای از مشروعیت ادعایی خود را از دست بدهند.

درگیری‌ها و اختلافات داخلی، یکی دیگر از نقاط ضعف داعش بود. به طور کلی درگیری‌های داخلی میان گروه‌های جهادی به عنوان یک نقطه ضعف برای این جنبش‌ها محسوب می‌شود. داعش علاوه بر درگیری با ارتش‌های عراق و سوریه، با دیگر گروه‌های معارض و حتی تعدادی از گروه‌های جهادی نیز درگیر بوده است؛ به عنوان مثال در اوایل سال ۲۰۱۴ در سوریه با گروه جهادی جبهه‌النصره درگیر و متحمل شکست‌های نیز شد. ایمن الظواهری رهبر القاعده به طور رسمی در فوریه ۲۰۱۴ هرگونه انتساب این گروه به القاعده را رد کرد. هرچند داعش از دل القاعده بیرون آمد، اما نسبت به القاعده رویکرد متفاوتی داشت؛ تفاوت آنها، هم در حوزه فکری و هم در حوزه عملیاتی بود. این دو از نظر اهداف، نوع برخورد با شیعیان، تشکیل حکومت، عضوگیری و... اختلافات شدیدی با هم داشتند. داعش از زمان شکل‌گیری رسمی، با القاعده و جبهه‌النصره در شمال سوریه- اطراف حلب- همکاری نزدیکی داشت؛ اما اختلاف بین این دو از زمانی آغاز شد که ایمن الظواهری فرمان داد تا داعش به عراق بازگردد و امور سوریه را به النصره واگذار کند، اما رهبر داعش ابوبکر البغدادی از این موضوع سرپیچی کرد و اختلافات بالا گرفت. در پی آن داعش و جبهه‌النصره به صورت نظامی رو در روی هم قرار گرفتند و چون جبهه‌النصره محلی بود و دست برتر را در صحنه نبرد داشت، داعش را تا مرزهای عراق عقب راند و آنان را مجبور کرد تمام مراکزی را که در اختیار داشتند، تحویل النصره دهد.^۱

نقطه ضعف دیگری که وارد حکمرانی داعش شده بود، اقدامات تروریستی و میزان خشونت اعمال شده به وسیله این گروه بود. تاثیر میزان خشونت به این شکل است که: "بدون از دست دادن اعتبار و مشروعیت، نمی‌توان میزان خشونت را افزایش داد." (Khatib, 2015) بر این اساس به همان میزان که اعمال خشونت از طرف داعش افزایش می‌یافت، از اعتبار و مشروعیت آن در داخل و خارج قلمروش کاسته می‌شد. اقدامات تروریستی و اعمال خشونت

^۱ جهت مطالعه جزئیات بیشتر رک: داعش و القاعده، مجله معارف، خرداد و تیر ۱۳۹۳ شماره ۱۰۳

این گروه، مخصوصاً در کشورهای غربی سبب شد؛ داعش به عنوان یک تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شود و ارادهٔ بین‌المللی لازم برای مقابله با این گروه تروریستی فراهم شود. بر همین اساس در ژوئیه ۲۰۱۴ یک ائتلاف جهانی علیه داعش شکل گرفت. اقدامات تروریستی داعش در نقاط مختلف جهان، مخصوصاً در اروپا و روسیه، در طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵ دولت‌های درگیر در عراق و سوریه، مخصوصاً آمریکا و روسیه را متقاعد کرد که علی‌رغم منافع متضاد، برای از بین بردن تهدید داعش با هم همکاری واقعی داشته باشند. در افتادن داعش با غرب یک تصمیم عمدی بود زیرا اوایل سال ۲۰۱۴ قبل از آنکه حملات هوایی ائتلاف مبارزه با داعش تحت رهبری آمریکا، شروع شود؛ داعش اولین عوامل حمله تروریستی را به اروپا فرستاده بود.

ضعف دیگر داعش، به نوع وفاداری قبایل به داعش مربوط بود. باید توجه داشت که اولاً پیوستن قبایل به داعش، ناشی از نارضایتی آنها از وضع موجود بود، نه قبول ایدئولوژی داعش؛ ثانیاً، اختلافات و درگیری‌های بسیاری در میان خود این قبایل نیز وجود داشت که وفاداری آنها به داعش را شدیداً تحت تاثیر خود قرار می‌داد. برای داعش جذب قبایل مسئله‌ای اساسی بود تا بتواند به وسیله آن از کنترل یک سرزمین اطمینان حاصل کند. آنچه سبب پذیرفتن داعش از طرف قبایل شده بود، نخست، منفعت اقتصادی و محافظت، سپس ترس و ارباب و نهایتاً نوعی اعتراض نسبت به رژیم‌های سوریه و عراق بوده است. سست بودن وفاداری قبایل نسبت به داعش، که می‌توان آن را به ازدواج موقت تشبیه کرد، سبب شد این قبایل از داعش فاصله بگیرند؛ "آنها احساس کردند در جدایی از داعش فرصت‌های اقتصادی بیشتری وجود دارد" و هزینه‌های پیوستن به داعش، از گسستن پیوند با آن بیشتر است. (Fromson and Simon, 2015: 7-56) شیخ نواف الملحم رئیس قبیله منطقه حمس گفت: "من از شما می‌خواهم یک عشیره یا یک قبیله که به طور کامل با داعش و جبهه النصره یا شورشیان بیعت کرده پیدا کنید؛ البته افرادی هستند که از آنها حمایت می‌کنند، اما آنها همهٔ قبیله نیستند و حداکثر ۲۰ درصد یک قبیله را تشکیل می‌دهند." در نهایت، با توجه به تجربه روشن القاعده، این مسئله اثبات گردید که، راهبرد گسترش "وابسته‌ها، که از طرف داعش پیگیری می‌شد، ممکن است به جای مفید بودن، مشکل ساز باشد.

در سال ۲۰۱۵ زمانی که داعش تضعیف شد و دیگر چیزی بجز خشونت نمی‌توانست ارائه دهد؛ روند جدایی‌ها از این گروه آغاز شده و شدت پیدا کرد. دیگر اشتیاق دسته‌جمعی برای

بازیابی برتری نظامی، سیاسی و فنی بر غرب، مشابه برتری‌هایی که قدرت‌های اسلامی هزار سال قبل داشتند و یا تاکید بر آخرالزمان، برای متقاعد کردن مردم به منظور جنگیدن برای آرمان داعش، کافی نبودند. در نهایت نیز این شبه‌نظامیان خارجی داعش بودند که از بیمارستان و استادیومی که در رقه، به عنوان آخرین مکان‌های بازمانده از "خلافت" باقی ماند؛ دفاع می‌کردند. پیش از آن تمامی شبه‌نظامیان سوری این گروه چندین روز قبل تسلیم شده بودند.

۵. آثار سقوط داعش

سقوط داعش می‌تواند تاثیرات جدی بر اروپا و دیگر نقاط جهان داشته باشد. یک سازمان تروریستی وقتی خود را در آخرین مراحل حیات می‌یابد، احتمال اینکه خود را نابود، و سلول-های خارج از قلمرو خود را فعال کند، بسیار زیاد است. العدنانی، سخنگوی سابق داعش، در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۶ چنین فراخوانی را اعلام کرد. (Stoehen and Tolba, 2016) این واقعیت از طرف داعش نشان داده شده که آماده است تا "سیاست زمین سوخته"^۱ را در خانه اتخاذ کند. اکنون که داعش سقوط کرده است، تلاش خواهد کرد، در حد امکان خسارات زیادی را بر دشمنانش وارد کند. (Schwartzstein, 2016)

سقوط داعش می‌تواند جهادگران محلی و خارجی را به نقل مکان به جایی دیگر وادار کند. برای مثال اروپا می‌تواند مقصد این جهادگران باشد. (Battle, 2016) محققان در ICCT به این نتیجه رسیده‌اند که جهادگران محلی و در حال بازگشت، بیش از آنکه یک تهدید امنیتی محسوب شوند، می‌توانند تهدیدی اجتماعی و سیاسی را تحمیل کنند. (Bakker and Zuijde, 2016) نتیجه شکست دولت داعش در بهترین حالت می‌تواند این باشد که مانند طالبان در پاکستان، به صورت یک جبهه غیر قانونی باقی بماند یا به گروه‌های تروریستی جهاد گرای کلاسیک^۲ باز گردد و در کشورهای دیگری مانند لیبی یا دیگر مناطق شمال آفریقا، به اقداماتی دست بزنند. (Oosterveld and Bloem) با توجه به منافع متضاد کشورهایایی که در شکست داعش شرکت داشتند، در دوران پسا داعش و از بین رفتن تهدید آن، دوباره اختلافات این کشورها بروز خواهد کرد و وضعیت منطقه، مخصوصاً سوریه را بسیار پیچیده و مبهم خواهد کرد.

¹ Scorched Earth

² Classic Jihadist Terrorist Groups

۶. پیش‌بینی

شکست نظامی داعش همان‌طور که محتمل به نظر می‌رسید، نهایتاً به صورت اعلانی در نوامبر ۲۰۱۷ اتفاق افتاد؛ اما باید در نظر داشت که این شکست نظامی به معنای شکست داعش به عنوان یک جنبش نیست، بلکه امکان بقای آن به صورت‌های مختلف وجود دارد. داعش ممکن است به صورت فعالیت‌های زیر زمینی حفظ شود. کمترین معنای این شکست این است که این ایدئولوژی ممکن است نفوذ خود را در بسیاری از نقاط خاورمیانه حفظ کند. باید توجه داشت هرچند پاره‌ای از ضعف‌های ذاتی داعش، زمینه شکست آن را فراهم کردند، اما شکست فعلی داعش، نتیجه تلاش‌های نظامی ائتلاف بین‌المللی و منطقه‌ای علیه داعش نیز بوده است. این امر می‌تواند به دلیل منافع متضاد و انگیزه‌های فرصت طلبانه این کشورها در دوران پساداعش به راحتی فروکش کرده و آنها را مقابل هم قرار دهد. در حال حاضر این خطر در بحران عفرین سوریه کاملاً مشاهده می‌شود. از طرف دیگر علی‌رغم وجود اختلاف نظرهای گزارش شده بین گروه‌های جهادی، آنان به آسانی می‌توانند اختلافات را کنار گذاشته، متحد شوند و دوباره به گسترش حوزه نفوذ خود ادامه دهند. خطر این اتفاق در سوریه بیش از عراق وجود دارد.

ریشه‌کن کردن درازمدت جنبش‌هایی نظیر داعش و ایدئولوژی آنها، به اقداماتی بیش از اقدام نظامی نیاز دارد. این امر مستلزم تعامل مثبت کشورهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای بر پایه اعتماد، احترام و تعهد است. کلید کار در اینجا این است که ریشه‌های مشکلات و شکایات طولانی مدت و تاریخی شناسایی و سپس ریشه‌کن شوند و به مردم چشم انداز آینده‌ای پر رونق و شکوفا داده شود. ثابت شده است که سیستم دولت-ملت نسبت به گذشته بسیار انعطاف پذیرتر شده است. هرچند ممکن است این سیستم با آنچه از سوی جامعه مسلمانان برای همزیستی پیشنهاد می‌شود، سازگار نباشد، اما در حال حاضر ملی‌گرایی بیش از هر چیز دیگری در خاورمیانه می‌تواند عامل تثبیت کننده دولت‌ها و ملت‌ها باشد. همچنین ثابت شده است در خاورمیانه، تنها دولت‌ها قادرند شهروندان خود را از فرقه‌گرایی نجات دهند و از ظهور شکل‌های دیگری از جامعه مشترک المنافع مانند داعش جلوگیری کنند. نابودی داعش می‌تواند به افزایش حملات به خاک اروپا منجر شود. هرچند در حال حاضر، تعداد حملات واقعی به اروپا بسیار کم بوده است، اما درباره تعداد زیادی از این حملات که با شکست مواجه شده‌اند، اطلاعات کمی وجود دارد. شکست داعش همچنین می‌تواند به بازگشت جهاد گرایان به

اروپا منجر شود، هرچند تعداد آنان احتمالاً کم است. در بازسازی سوریه و عراق، ایجاد ساختار-های حکمرانی پایدار و با ثبات یک ضرورت اساسی است. هرچند برای حفظ این کشورها، خود مختاری مناطق مختلف گزینه‌ای مناسب است، اما حفظ دولت مرکزی برای حفاظت از حقوق اقلیت‌ها و همچنین حفظ تعادل ژئوپلیتیک در منطقه مهم‌تر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گذشت، و با توجه به شرایط خاصی که زمینه ظهور داعش را فراهم کردند، شناخت چگونگی به وجود آمدن آن، چگونگی مدیریت آن برای بقاء و همچنین چگونگی نابودی آن می‌تواند درس‌های مفیدی را به ما بیاموزد. این موارد عبارتند از: اگر در چارچوب سیاست‌های امنیتی آمریکا، در سال ۲۰۰۳ حمله به عراق اتفاق نمی‌افتاد، یا اگر پس از حمله، یک راهبرد واضح و روشن برای متحد نگه داشتن عراق وجود داشت و مانع نزاع‌های فرقه‌ای می‌شد، داعش به وجود نمی‌آمد. تاریخ ورود غربی‌ها در منطقه که به روزهای سقوط امپراتوری عثمانی باز می‌گردد، داعش را به عنوان ابزار نجات دهنده اسلام معرفی کرد. درارتباط با نکته قبلی، باید گفت که داعش با ارائه خود به عنوان یک جایگزین صادق و قابل اعتماد، با دیدگاه‌های معتبر اسلامی در مقابل حکومت‌های فاسد و سکولار، حمایت عمومی را بدست آورد، در حالی که غرب را نیز به خاطر معرفی اندیشه‌های غیر اسلامی در جهان اسلام مورد سرزنش قرار می‌داد. فرقه‌گرایی که در عراق و بعدها در سوریه رخ داد، به طور مستقیم به ظهور گروه‌های تروریستی چندگانه، که بعداً به داعش تبدیل شدند، کمک کرد. بدون ایجاد فرقه‌گرایی، داعش بوجود نمی‌آمد. به طور خاص، عدم تمایل دولت سوریه، به جنگ مستقیم با داعش، به آنها کمک کرد تا در سوریه ظهور و ادامه پیدا کنند. در واقع، می‌توان گفت یک توافق ضمنی عدم تجاوز میان دو طرف وجود داشت. ایدئولوژی، به عنوان محرکی اصلی، عاملی برای ماندن مردم محلی، در کنار داعش نبوده است. سالها سرکوب و تبعیض در سوریه و عراق، موجب شد که علی‌رغم خشونت سیستمی که برای تحمیل ایدئولوژی پوچ داعش استفاده شد، بسیاری از اهل سنت تصمیم بگیرند که زندگی تحت سیطره داعش را ترجیح دهند.

انتخاب، اشغال سرزمین و ایجاد خلافت، تصمیم عمدی ابوبکر البغدادی بود. این تصمیم در واقع بخشی از یک چارچوب ایدئولوژیک بود و البغدادی در حالی که از نقاط ضعف چنین راهبردی آگاه بود، به این کار ادامه داد، زیرا آن را به عنوان تعهدی دینی در نظر گرفته بود.

در مورد دلایل بقا داعش نیز می‌توان گفت: داعش عمدتاً توانست مقاومت کند و به بقای خود ادامه دهد، زیرا هیچ کشوری، چه در منطقه و چه در خارج، دلایل متقاعد کننده‌ای، برای استفاده از امکانات خود جهت ریشه‌کن کردن این جنبش نداشت. داعش در حقیقت سرزمین یا منابع حیاتی آنان را اشغال نکرده بود، برای همین توانست در منطقه باقی بماند و به حیات خود ادامه دهد. قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نتوانستند بر سر سیاست نظامی واحدی برای شکست داعش به توافق برسند. به رغم قدرت نظامی داعش، یک تلاش هماهنگ بین-المللی، به احتمال زیاد قادر به شکست خلافت داعش بود. حمایت کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، یکی دیگر از دلایل بقای داعش بوده‌است. هرچند به نظر می‌رسد نقش حمایت کشورهای عرب خلیج فارس اغراق آمیز بوده است، اما می‌توان گفت که داعش الهام گرفتن از ایدئولوژی‌هایی را ترسیم کرد که در بین کشورهای عرب منطقه خلیج فارس محبوب هستند؛ اما در خصوص پشتیبانی مالی این کشورها به عنوان ابزاری برای پویایی داعش، شواهد کمی وجود دارد. به جز استفاده از ابزار نظامی، درآمدهای مالی داعش، در بقای آن، بسیار موثر بوده است. کشور ترکیه در قلمرو خود، اجازه حمل محموله‌های غیرقانونی نفت را به این گروه داد. مالیات نقش زیادی در ادامه حیات داعش ایفا کرد. داعش دریافت، برای حفظ خلافت باید یک قرارداد اجتماعی بر اساس وضع مالیات ایجاد کند. اما اشتباه داعش در اخذ مالیات عدم انعطاف آن بود. داعش حتی اگر می‌توانست مالیات‌های سنگین را تحمیل کند، باید در اخذ مالیات با مردم مصالحه می‌کرد و در زمان‌های مختلف عملگرا می‌بود. عامل دیگری که در ادامه حیات داعش موثر بود، بیعت و حمایت دیگران بود. تعهد و حمایت کسانی، خارج از قلمرو داعش را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از قدرت و مشروعیت داعش دانست. بدین معنا که داعش تلاش کرد با انتخاب خلافت برای خود، حمایت و مشروعیت کسب کند، اما در حقیقت، این رفتار فرصت‌طلبانه‌ای بود که در طرف دیگر آن، رفتار سازمانی تروریستی قرار داشت؛ به همین خاطر بسیاری از این تعهدات نسبت به داعش به راحتی نادیده گرفته شدند. در رابطه با نکته قبلی (گسترش شاخه-های داعش در قالب خلافت در مناطق دیگر) باید گفت این امر لزوماً نشانه‌ای از قدرت داعش نبوده است؛ به عنوان مثال حضور داعش در لیبی به عنوان یک استراتژی عقب مانده و شکست خورده خلافت، در خاورمیانه دیده شده است. داعش توانست از تخصص بسیاری از بعثی‌ها، برای سازماندهی نظامی و اداره خلافت خود استفاده کند. بدون این ورودی، بعید بود که داعش بتواند به عنوان یک نهاد جغرافیایی به حیات خود ادامه دهد.

منابع فارسی

کتاب

- ابراهیم‌نژاد، محمد (۱۳۹۳)، دولت اسلامی عراق و شام تحلیل و بررسی تاریخ افکار، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل بیت
- اکبری، حسین (۱۳۸۸)، بحران حاکمیت در عراق، تهران، موسسه اندیشه سازان نور
- احمدی، کوروش (۱۳۸۴)، عراق پس از سقوط بغداد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین-المللی وزارت امور خارجه
- الهاشمی، محمدصادق (۱۳۸۵)، اشغال عراق توسط آمریکا: پیامدها و نتایج طرح خاورمیانه بزرگ، ترجمه محمدرضا بلوردی، تهران، اندیشه سازان نور
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۶)، جهان اسلام و رادیکالیسم افراطی، نشریه پگاه حوزه، شماره ۲۰۴

مقاله

- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸)، تروریسم و جنبش‌های اجتماعی جدید، فصلنامه سیاست روز، دوره ۳۹، شماره ۱

پایان نامه

- شفاعت، محمدرضا (۱۳۹۵)، مبارزه با داعش و تاثیر آن بر روابط ایران و آمریکا، پایان نامه دوره دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد خوراسگان

English Resources

Book

- Anonymous, (2015), **The Mystery of ISIS**, New York: The New York Review of Books
- Barrett, Richard, (2014), **The Islamic State**, New York: The Soufan Group, November
- Barr, James, (2011), **A Line in the Sand: Britain, France and the Struggle That Shaped the Middle East**. Simon and Schuster
- Burke, Jason, (2015), **The New Threat**. London: Penguin
- Cockburn, Patrick, (2014), **Isis Consolidates**, London Review of Books 36, no. 16, August 21
- Croke, Alastair, (2009), **Resistance: The Essence of Islamic Revolution**, Pluto Press
- Hourani, Albert, (1962), **Arabic Thought in the Liberal Age 1798-1939**.

Cambridge University Press

- Hugh, Roberts,(2015), **The Hijackers**, London Review of Books 37, no. 14 , July 16
- Smith, Ben,(2015), **ISIS and the Sectarian Conflict in the Middle East**, London: House of Commons, March 19

Articles

- Bakker, Edwin and Jeanine Roy de Zuijdewijn, (2015), **Jihadist Foreign Fighter Phenomenon in Western Europe: A Low - Probability, High - Impact Threat**, ICCT Research Paper. ICCT: The Hague, October
- Fishman, Ben,(2016), **Defining ISIS**. Survival: Global Politics and Strategy 58, no. 1, January 19
- Fromson, James and Steven Simon,(2015), **ISIS: The Dubious Paradise of Apocalypse Now**, Survival: Global Politics and Strategy 57, no. 3 ,May 11
- Stansfield, Gareth(2016), **Book Reviews: Explaining the Aims, Rise and Impact of the Islamic State in Iraq and Al-Sham**, The Middle East Journal 70, no. 1

Site

- Atran, Scott. (2016), **ISIS: The Durability of Chaos**, The New York Review of Books, July 16, <http://www.nybooks.com/daily/2016/07/16/nice-attack-isis-durability-of-chaos>
- Bakr Naji, Abu (2006), **The Management of Savagery**. Translated by William Mc Cants. https://azelin.files.wordpress.com/2010/08/abuba_knaji_the_management-of-savagery-the-most-critical-stage-through-which-the-umma-will-pass.pdf
- Burke, Jason,(2016), **The Tyranny of Isis Terrorism Will Not Always Be with Us. But History Shows That a New Militant Threat Will Emerge**.The Guardian, March 27, 2016, sec. Opinion. <https://www.theguardian.com/commentisfree/2016/mar/27/terrorism-isis-brussels-al-qaida-ever-present-threat-what-next>
- Cammack, Perry,(2016), **The Conundrum of the Coming Islamic State Collapse**. Carnegie Middle East Center, August 1, 2016. <http://carnegie-mec.org/diwan/64213?lang=en>
- Charbonneau, Louis,(2016), **Islamic State Nets Millions from Antiquities: Russia**. Reuters, April 6, 2016. <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-antiquities-russia-idUSKCN0X32HK>
- Dabiq,(2014),**The Return of the Khilafah**, Dabiq Issue 1, Available at: archive.org/details/DABIQ1
- Harald Doornbos and Moussa Jenan (2016), **Present at the Creation, Foreign Policy**, August 16, 2016. <https://foreignpolicy.com/2016/08/16/present-at-the-creation>

- Gambhir, Harleen,(2016), **ISIS's Campaign in Europe: March 2016. In st it uteofWar**, March 25, 2016. <http://post.understandingwar.org/backgrounder/isis-campaign-europe-march>
- Gaub, Florence,(2016), **The Cult of ISIS**, Brussels: EUISS, January 19, 2016. <https://www.iiss.org/en/publications/survival/sections/5e13/survival-global-politics-and-strategy-february-march-2016-44d5/58-1-08-gaub-752b>
- Hassan, Hassan,(2016), **The Sectarianism of the Islamic State: Ideological Roots and Political Context. Carnegie Endowment for International Peace**, June 13, <http://carnegieendowment.org/2016/06/13/sectarianism-of-islamic-state-ideological-roots-and-political-context/j1iy>
- HIS,(2016), **Islamic State Caliphate Shrinks a Further 12 Percent in 2016,HIS,Says,IHSONlineNewsroom**, July 10, 2017. <http://news.ihsmarket.com/press-release/aerospace-defense-security/islamic-state-caliphate-shrinks-further-12-percent-2016-ihs>
- HIS,(2015), **Syria and Iraq Insurgency**, IHS, June 2015. https://www.ihs.com/pdf/Syria-and-Iraq-Insurgency-Monitor-Extracts-June2015_233159110913052132.pdf
- Ignatius, David,(2015), **How ISIS Spread in the Middle East, The Atlantic**, October 29, 2015. <http://www.theatlantic.com/international/archive/2015/10/how-isis-started-syria-iraq/412042>
- Itani, Faysal,(2014), **We Must Treat ISIS Like a State to Defeat It**, TIME, August 14, <http://time.com/3111276/isis-terror-iraq-treat-it-like-a-state>
- Julian Borger, and Mahmood Mona(2013), **EU Decision to Lift Syrian Oil Sanctions Boosts Jihadist Groups**. The Guardian .May 19, 2013. <https://www.theguardian.com/world/2013/may/19/eu-syria-oil-jihadist-al-qaida>
- Jackson, Molly,(2015), **70,000 Indian Clerics Issue Fatwa against Terrorists**, Christian Science Monitor: Global News Blog, December 10, <http://www.csmonitor.com/World/Global-News/2015/1210/70-000-Indian-clerics-issue-fatwa-against-terrorists>
- Jones, Sam and Erika Solomon,(2015), **Isis Inc: Jihadis Fund War Machine but Squeeze Citizens**, The Financial Times, December 15, <https://www.ft.com/content/2ef519a6-a23d-11e5-bc70>
- Khatib, Lina,(2015), **The Islamic State's Strategy: Lasting and Expanding"** Carnegie Endowment for International Peace, June 29, <http://carnegieendowment.org/2015/06/29/islamic-state-s-strategy-lasting-and-expanding-pub-60511>
- Kozak, Christopher,(2015), **Turkey Expands Campaign against ISIS and the PKK**. Institute for the Study of War, June 15, <http://www.understandingwar.org/backgrounder/turkey-expands-campaign-against-isis-and-pkk>
- Lister, Charles,(2014), **Profiling the Islamic State**. Brookings Institution, January 12, <https://www.brookings.edu/research/profiling-the-islamic-state>

- McFate Lewis, Jessica, Harleen Gambhir, Christopher Kozak and Jennifer Cafarella,(2016), **M“ISIS Forecast: Ramadan 2016**. Middle East Security Report. **Institute of War**, May 2016. <http://www.rightsidenews.com/wp-content/uploads/2016/05/ISW-ISIS-RAMADAN-FORECAST-2016.pdf>.
- Miller, James,(2016), **This Week Under The Black Flag**, Radio Free Europe/Radio Liberty, April 15, 2016. <http://www.rferl.org/a/islamic-state-under-black-flag/27677349.html>
- P. Schmid, Alex and Judith Tinnes,(2015), **Foreign (Terrorist) Fighters with IS: A European Perspective**. ICCT The Hague, December 2015. <https://icct.nl/wp-content/uploads/2015/12/ICCT-Schmid-Foreign-Terrorist-Fighters-with-IS-A-European-Perspective-December2015.pdf>
- Pew Research Center,(2015), **Views of ISIS by Religion, Ethnicity and Region**. Pew Research Center, November 17, 2015. http://www.pewresearch.org/fact-tank/2015/11/17/in-nations-with-significant-muslim-populations-much-disdain-for-isis/ft_15-11-17_isis
- Reuter, Christoph,(2015), **The Terror Strategist: Secret Files Reveal the Structure of Islamic State**, Spiegel Online, April 18, 2015. <http://www.spiegel.de/international/world/islamic-state-files-show-structure-of-islamist-terror-group-a-1029274.html>
- Schmitt, Eric,(2016),**Caliphate in Peril, More ISIS Fighters May Take Mayhem to Europe**, The New York Times, September 17,<http://www.nytimes.com/2016/09/18/us/politics/caliphate-in-peril-more-isis-fighters-may-take-mayhem-to-europe.html>
- Schwartzstein, Peter,(2016),“**The Islamic State’s Scorched-Earth Strategy Foreign Policy**, April 6, 2016. <http://foreignpolicy.com/2016/04/06/the-islamic-states-scorched-earth-strategy/>.”Section 3.5 Development of UK Strategy and Options, September to November 2002 – The Negotiation of –Resolution144-1.”ChilcotReport,n.d.http://www.iraqinquiry.org.uk/media/248176/the-report-of-the-iraq-inquiry_section-35.pdf
- Shatz, Howard J(2014),**How ISIS Funds Its Reign of Terror**, New York Daily News, September 8, 2014. <http://www.rand.org/blog/2014/09/how-isis-funds-its-reign-of-terror.html>
- Stephen, Kalin and Ahmed Tolba,(2016), **As ‘Caliphate’ Shrinks, Islamic State Looks to Global Attacks**, Reuters, July 31, <http://www.reuters.com/article/us-europe-attacks-is-propaganda-idUSKCN10B0IP>
- The Arab Center for Research and Policy Studies,(2016), **The Military Campaign against the Islamic State in Iraq and the Levant: Arab Public Opinion**, Insider Online. Accessed November 9, <http://www.insideronline.org/2014/11/the-military-campaign-against-the-islamic-state-in-iraq-and-the-levant-arab-public-opinion>

- The Economist,(2016), **Islamic Stateless?** The Economist, July 9, 2016. <http://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21701721-jihadists-are-losing-their-caliphate-they-remain-deadl-islamic-stateless>
- The United Nations,(2016), **Report of the Secretary - General on the Threat Posed by ISIL (Da'esh) to International Peace and Security and the Range of United Nations Efforts in Support of Member States in Countering the Threat**, January 29, http://www.un.org/en/sc/ctc/docs/2016/N1602353_EN.pdf
- The United Nations Security Council,(2015), **Security Council 'Unequivocally' Condemns ISIL Terrorist Attacks, Unanimously Adopting Text That Determines Extremist Group Poses 'Unprecedented' Threat | Meetings Coverage and Press Releases**, United Nations, November 20, 2015, <http://www.un.org/press/en/2015/sc12132.doc.htm>
- Witte, Griffe, Sudarsan Raghavan and James McAuley,(2016),**Flow of Foreign Fighters Plummets as Islamic State Loses Its Edge**. Washington Post, September 9, https://www.washingtonpost.com/world/europe/flow-of-foreign-fighters-plummets-as-isis-loses-its-edge/2016/09/09/ed3e0dda-751b-11e6-9781-49e591781754_story.html.
- Wood, Graeme,(2015), **What ISIS Really Wants**. The Atlantic, March .<http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2015/03/what-isis-really-wants/384980>
- Wright, Robin,(2016), **How the Curse of Sykes-Picot Still Haunts the Middle East**, April 30, <http://www.newyorker.com/news/news-desk/how-the-curse-of-sykes-picot-still-haunts-the-middle-east>.

News Agency

- BBC News,(2016), **Mosul Battle:EU'Should Prepare for Returning Jihadists**.BBCNews,October18,2016,sec.MiddleEast.<http://www.bbc.com/news/world-middle-east-37689210>